

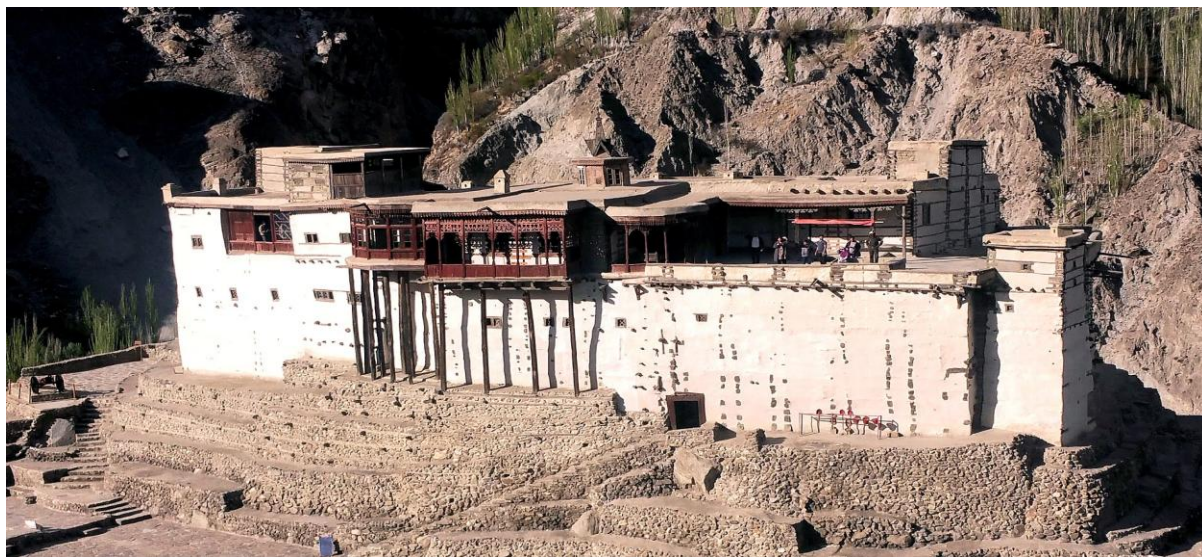
نویسنده: پیپ ایسکوبار (Pepe Escobar).
منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2018-12-21»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

بازی بزرگ جدید در سقف جهان

The New Great Game on the roof of the world

دهلیز اقتصادی چین و پاکستان تمام پروژه های اعم از جاده ها ، خط ریل ، سد ها ، و خطوط لوله از بندر گوادر تا سین کیانگ چین ، پروژه های اندک که برای اكمال این پروژه ها وقت طولانی توام به تلاش ها و زحمات زیاد ضرورت دیده میشود

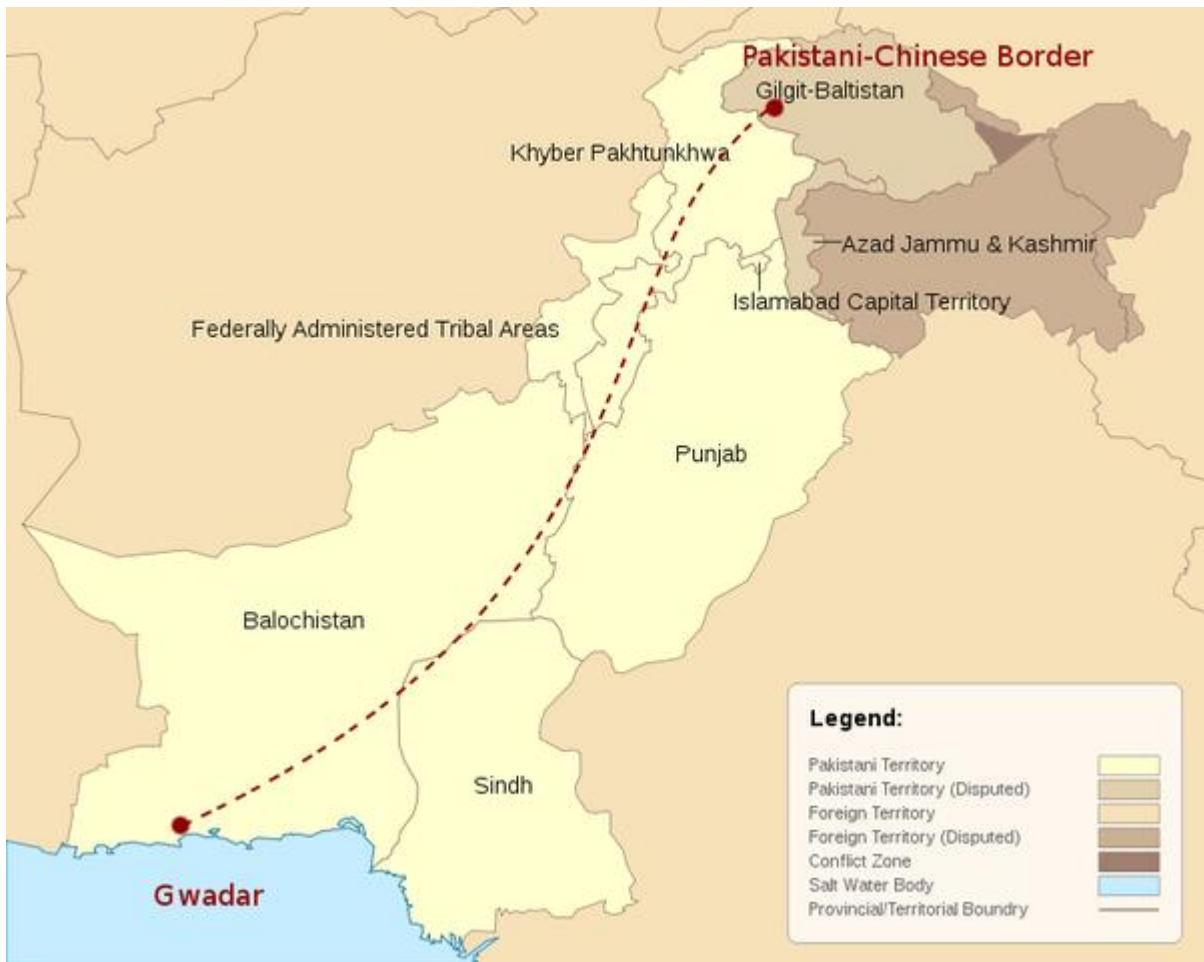
CPEC involves road and rail projects, dams and a pipeline from Gwadar to Xinjiang, but it is very long-term endeavor as a visit to the country revealed



قلعه بلتت (Baltit Fort) نزدیک به شهر کریم آباد در منطقه گلگت
واقع در شمال پاکستان

انفارمیشن کلیرنگ هوز «2018-12-21»: در بارزترین نقطه ای قلعه ای بلتت
با چشم انداز بروادی هنزای (Hunza) باشکوه و جلال شانگرای لا (Shangri-la) غیر

ممکن نیست که بشکل تصادفی از دیدن مناظر غول آسا از هزاران سال زمین شناسی و قرن های تاریخ سرگیچه نشد.



ما در قلب ویا در نقطه مرکزی گلگت بالتستان در مناطق شمالی پاکستان هستیم ویا برحسب روایت افسانه نوی در سقف ویا در «**بام دنیا**». منطقه ای که با مساحتی در حدود (70000) کیلومتر مربع یا (27000 مایل مربع) با ملاحظه ای دامنه های کوهستانی



باتورا (Batura Sar) = بلندترین قله ای به ارتفاع «7795 متر» در حوزة گلگت بالتستان دیدنی و جمیعت است و در میان آنها، دره ها ویا وادی های بینظیر و خرم و تر و تازه

وبزرگترین یخچال ها ویخبندان های خارج از منطقه وابسته به قطب شمال وجنوب را میتوان تماشا کرد .

مناظر سرگیج کننده به امتداد شمال فراتراز این یخبند ان های بتورا «Batra» با بازوی کوچک شبیه نوک قلم شمال شرق افغانستان راهرو افسانوی **واخان** است ، قله هند وکش منطقه ای که **واخان** را از مرکز **گلگیت** جدا میکند واز آنجا منطقه **سین کیانگ** چین با نوک بالا از **واخان** شروع میشود واز طریق بزرگراه بلند قراقرم به فاصله (240) کیلومتر از گلگت تا پاسگاه خنجراب است که ارتفاع آن (4934) متر درمرز رسمی چین وپاکستان قرار دارد.

انچه که این ساحه قبلاً بنام پامیر روسیه نامیده میشد اکنون از تاجکستان میتوان با چشمان با ز یکی از این مرتفعترین قله های قراقرم را مشاهده کرد واز آن گذشته درشرق سکاردو (Skardo) که دربین کوه ها یک راه صعب العبور است درحدود یک ماه طول میکشد که خود را به یک قله دوم بیشتر مرتفع درجهان واقع در کوه های قراقرم رساند جایکه درمیان آن یک گروه قدرتمند درشمال یخچال های بترا (Batura) که بنا م Botoro یاد میشود است و «63» کیلومتر طول دارد. جابجا است



لییک قراقرم و ساحه شهر سکاردو

درجنوب ساحه مذکور منطقه آزاد کشمیر وکمی بطرف جنوب شرقی ساحه ای مربوط به کشمیر درتحت سلطه هند قرار دارد ، شاه سابق کشمیر موافقت کرده بود که بعد از انقسام نیم قاره هند در سال (1947) ، کشمیر بخشی از هند باشد اما نیروهای

نظامی به سمت شمال در حرکت افتادند و بعد از یک سال جنگ خونین، هندوستان این موضوع را به سازمان ملل متحد ارجاع کرد تا آنکه در نتیجه شرایط آتش بس برای مدت یک سال در سال (1948) برقرار شد و از قراقرم بطرف **نا نگاه پربات** (Nanga Parbat) بنام کوه قاتل کشمیر بدو بخش عملاً تقسیم شد.



کوه نا نگاه پربات

رشته کوه های عظیم: ما در سفر در بزرگراه بطرف قراقرم (بخش دوم این گزارش را ببینید) به سه رشته از کوه های عظیم در جهت های مختلف روبرو میشویم تا آنجاییکه سلسله کوه های هندوکش ختم میشود و در حرکت بطرف شرق حوضه یا به یک نقطه ای از آنقسام میرسیم که آب های زیرزمینی یا زهکشی آسیای مرکزی به اقیانوس هند می ریزد.

همانجا از گیلگیت شروع میشود و سپس بطرف جنوب با دسته ویا خوشه ای از قله های بلند و مرتفع از جمله به **نا نگاه پربات** سر راست در مسیر پرواز هواپیما گیلگیت اسلام آباد (اگر هوادر اطراف نا نگاه پربات بهتر باشد در آن صورت هواپیما از توربوپروب «Turboprob» به پرواز درمی آید) میرسد.

قراقرم و همالیا مانند فرمت ویا گسترش دهند یکدیگر خود هستند در حالیکه هندوکش از در جنوب افغانستان شروع میشود و با قراقرم در شمال دره هونزا (Hunza) روبرو میشود البته که در شعاع نزدیک به (150) کیلومتری از گلگیت و از ایکار دو و در اینجا کمتر از (90) قله بالاتر از (8000) متر نیست.

این محل از نظر ستراتیژیک یکی از مرتفع ترین نقاط در این سیاره ویا در زمین است یعنی نقطه اصلی بازی که بین انگلیس و روسیه بود، بنابراین اکنون اینجا بیشتر دقیقاً همان نقطه اصلی بازی جدید بزرگ، دهلیز اقتصادی چین و پاکستان است که طرح آن شامل اعمار جاده های جدید راه ابریشم یا یک کمربند ویک جاده است که در واقع سین کیانگ غرب چین را به مناطق شمالی در سراسر گذرگاه خنجراب پیوند یا باهم

وصل میکند.

سیاست قراقرم :

دهلیز اقتصادی چین و پاکستان جوهر اصلی در تسمه یک کمر بند و یک جا ده میبا شد. که بزرگترین برنامه توسعهی یا حجم سرمایه گذاری خارجی در تاریخ مدرن چین میباشد یعنی این اندازه سرمایه بیشتر از آن است که ایالات متحده امریکا کمک های نظامی اش را از سالیان طولانی به اسلام آباد نموده است .

وما در حقیقت در جاده ابریشم باستان هستیم ، با نگاهی هزاران ساله دنباله دار موازی با قراقرم و با بنیاد دوست داشتنی بودن انکشاف **کریم اقا خان** . ساده است که تصویر از مسافر بزرگ چینی بنام (هوین تسانگ = Hiuen Tsang) را که در قرن هفتم در حال عبور از این ارتفاعات را به تصویر می کشد یاد کنیم که او این ارتفاعات بلند را بنام **پولو لی (Polo-Le)** نام گذاری میکند و دودمان (تانگ = Tang) آن را بزرگ پولو (Great Polu) نامیدند ، هنگامیکه **مارکوپولو (Marco Polo)** در قرن چهاردهم میلادی از این راه به سختی عبور کرد آنرا بنام **راه بلور (Bolor)** یاد کرد .

من در اوایل ماه گذشته با خوشی این امتیاز را بدست آوردم که از طریق جا ده های مرتفع قراقرم در امتداد دهلیز اقتصادی چین و پاکستان از گیلگیت تا خنجراب رفته و برگشتم



بالتور (Bualter)



هوپر (Hopper)



کوتوال (Kutwal)



شمشال (Shimshal)



نالتر (Naltar)

ویسا تاراج و غارت چوب کاج را در جنگل های دره های سرسبز و شاد لب اعم از

نالتر، شمشال، (محل فابریکات تولید شال ها از موی گاو ها و گاو میش های دم کلفت) **کوتوال** وکنارکشیدن ویا به عقب سرازیر شدن یخچال های طبیعی را در **هو پر ویا لتور** دیدم .

بزرگراه Karakoram در اصل در دهه « 1970 » به عنوان یک پروژه بلند پروازانه سیاسی- استراتژیک که توانست بر تعادل ژئوپلیتیک در شبه قاره نفوذ کند، اسلام آباد را به به مرزهای که قبلاً غیر قابل دسترس بود وسعت وگسترش داد.

در حال حاضر این مرکز در قلب تجارت و انرژی راهرو از مرز چین-پاک است که از جنوب به گودار، بند ربلوچستان در دریای عرب، پرتاب سنگ از خلیج فارس است. گوادر به نظر می رسد که یک چرخه حیاتی برای تبدیل شدن به یک نیروی دریایی فعال از اقیانوس هند به خلیج فارس و به دریای مدیترانه باشد، در حالی که دهلیز اقتصادی چین وپاکستان « CPEC » به آرامی، اما قطعاً، قصد دارد ساختار اجتماعی و اقتصادی پاکستان را تغییر دهد.

شریف، نخست وزیر پیشین پاکستان، بنام شیرینجاب "Lion of the Punjab"، بحث برانگیز، پس از انتخابات سال « 2013 » خود، هوادار دهلیز اقتصادی چین وپاکستان « CPEC » بود. در آن زمان، حزب تحریک انصاف، به رهبری نخست وزیر **عمرانخان**، که برنده انتخابات در ماه ژوئیه شد، پیش از این در سراسر کشور رتبه دوم را کسب کرده و در ولایت استراتژیک خیبرپختونخوا قدرت را به دست می آورد - منطقه ای بین اسلام آباد وکمر بند از قبا یل.

شریف در ماه ژوئن سال « 2013 » زمانی که در حال مذاکره با چینی ها بود، از آنچه که به نام دهلیز اقتصادی چین وپاکستان « CPEC » یاد میشود به عنوان یک طرح زیربنایی برای تبدیل شدن پاکستان ویا بهبود اقتصاد پاکستان مطرح نظر قرار میگیرد که "سرنوشت پاکستان را تغییر خواهد داد." تا کنون عمدتاً به ساخت و ساز سدهای آبی، نیروگاه های برق با سوخت زغال سنگ و انرژی هسته ای کارها آغاز شده است همین اکنون . شرکت ملی هسته ای چین در حال ساخت 2 راکتور « 1100 » مگاوات برق در نزدیکی کراچی با سرمایه در حدود « 10 » میلیارد دلار است که « 65 » درصد آن توسط وام های چینی تامین می شود. این نخستین بار است که صنعت هسته ای چین چیزی در این مقیاس بیرون از کشور ساخته ویا رونق می یابد.

بیش از دوازده پروژه « CPEC » شامل تولید برق می شود - پاکستان دیگر محروم از انرژی نخواهد شد تکمیل. این پروژه ها ممکن است به اندازه خطوط راه آهن و خطوط لوله با سرعت بالا نباشد، یعنی شده می تواند نیل به آن خیلی کمتر شود. روی هم رفته

این همه پروژه های مربوط به « CPEC » در کل برنامه ریزی شده تا سال « 2030 » به پایتخت میرسد.

البته، تصمیمات تجاری برجسته با دید مورد توجه قرار گیرد؛ هزینه هواناک - و دولت مهندسی هنر - درگیر ساختن یک راه آهن به موازات کاراکورام؛ و این واقعیت که نفت از طریق یک خط لوله از Gwadar به Xinjiang پمپ می شود ممکن است پنج بار بیشتر از طریق خطوط دریایی معمولی تا شانگهای هزینه کند.

آنچه که عمران خان می خواهد:

عمران خان محتاط تر از **شریف** است، تا جاییکه او در داخل دفترش بروی میز کارش "سلول چینی" {تیلیفون همراه ساخت چین} را گذاشته است و به ارتش پاکستان دستور داد تا یک نیروی امنیتی در حدود (10) هزار نیرو را برای محافظت از سرمایه گذاری های « CPEC » چین جا بجا کند.

اما **خان** خوب می داند که قدرت شلیک در پشت « CPEC »: {صندوق « سرمایه گذاری ابریشم»}، بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیا (AIIB، CITIC)، « بانک چین، EXIM » - « بانک توسعه چین ». «آکادمی علوم اجتماعی چین (CASS)» پروژه هایی را ارائه می دهد که یک جا ده و یک کمربند « BRI » در چند سال آینده می تواند به اندازه (6) تریلیون دلار درآمد کسب کند. و این آنچه که **خان** می خواهد، در مذاکرات اش بخاطر شرایط بهتر برای پاکستان را در نظر دارد.

سفیر چین در پاکستان، **یو جینگ**، هرگز به این نتیجه رسیده است که مسئله بدهی جدی پاکستان به مرحله اولیه دهلیز اقتصادی چین و پاکستان « CPEC » مربوط می شود، به دلیل واردات وسیع ماشین آلات سنگین، مواد خام صنعتی و خدمات صنعتی.

همانطور که در بحث های مختلف با تحلیلگران پاکستان در اسلام آباد آموختم، **خان** واقعاً قصد دارد که « CPEC » را توسعه دهد تا از اسلام آباد دامنه غیر قابل تحمل بدهی را بگیرد. این بدان معنا است که تمرکز « CPEC » را از پیشرفت زیربنایی زیاد تا انتقال تکنولوژی و دسترسی به بازار برای محصولات پاکستانی افزایش دهد. برای مثال، سرمایه گذاری برای پروژه های کشاورزی می تواند از طریق برنامه بلند مدت « CPEC » باشد، که برخلاف برنامه اصلاحی به زودی پیش می آید که قیمت تضمینی ندارد و می تواند آزادانه بین اسلام آباد و پکن مذاکره شود.

بر اساس یک گزارش صندوق بین المللی پول سال « 2016 »، « 28 » میلیارد دلار در پروژه های موجود در ارزیابی اولیه تا سال « 2020 » تکمیل خواهد شد: « 10 » میلیارد دلار برای توسعه زیرساختهای جا ده، راه آهن و بندر و « 18 » میلیارد دلار در پروژه

های انرژی از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) وام های تجاری قرض گرفتن از بانک های چینی.

دهلیز اقتصادی چین و پاکستان هر چندی که یک تلاش بسیار طولانی است. اما سایر سرمایه گذاری های «CPEC» در زیرساخت های انرژی و حمل و نقل تامین مالی توسط چین تنها تا سال «2030» به پایان خواهد رسید.

تاکید جدید «CPEC» بر صنعتی شدن از طریق انتقال فناوری، پاکستان را قادر می سازد برخی از آنچه که چین وارد می کند، تولید کند. این به معنای بازنگری مجدد توافقنامه تجارت آزاد پاکستان و چین (FTA) است، که به سطح تدابیر ترجیحی که چین به آسه آن (ASEAN = انجمن جنوب شرق کشورهای آسیایی) ارائه می دهد، می پردازد. در اصل، این همان چیزی است که عمران خان به دنبال آن است.

سلام اسماعیلیان

Gilgit-Baltistan امن ترین مکان ویا محل در کل پاکستان است. در اینجا، هیچ "تهدید تروریسم" توسط طالبان پاکستانی یا سروصدای القاعده یا داعش وجود ندارد. زبانهای عمده گفتاری با شنندگان این محل شینا (shina) و بوروشاسکی (Burushaski) است نه اردو. این جمعیت به طور عمده از شیعیان اسماعیلی تشکیل شده اند، مانند کریم شاه، حسب متن دایره المعارف تاریخ و فرهنگ آسیای مرکزی و جنوبی حکمروایانی در اینجا بودند که حکمرانی میکردند و از آنها بعضی چیزهای شگفت انگیزی بجا مانده است که در دوکان کریم شاه اینجا در گلگیت بچشم میخورد، بشمول سراز پیکر معتبر گاندارا (Biddizato) از فافرسی خانواده سلطنتی فارس فرس شده نیز بچشم میخورد.



گاندارا بیدیزاتوا

ساعتهای مان را صرف صحبت کردن در مورد خراسان، بازی اصلی - Kipling

Great-esque- (رمان دارای یک خلسه Kiplingesque است که باعث می شود خواندن آن بسیار لذت بخشی باشد اما خصلت اصلی آن خشونت نامطلوب و تاریک شر است که بسیار فراتر از چیزی است که کیپلینگ هرگز به آن اشاره نکرده است.) خط استعماری کلین یا { Durand } (خطی که پشتونها را در هر دو طرف یک مرز مصنوعی از هم جدا میکند)، سوال کشمیر، نظام شگفت آور پیچیده جغرافیایی تاریخی مناطق شمالی و البته چین میگردیم .



در « مغازه کریم شاه » شگفتی ها پیش در گیلگیت. عکس: آسیا تا یمز

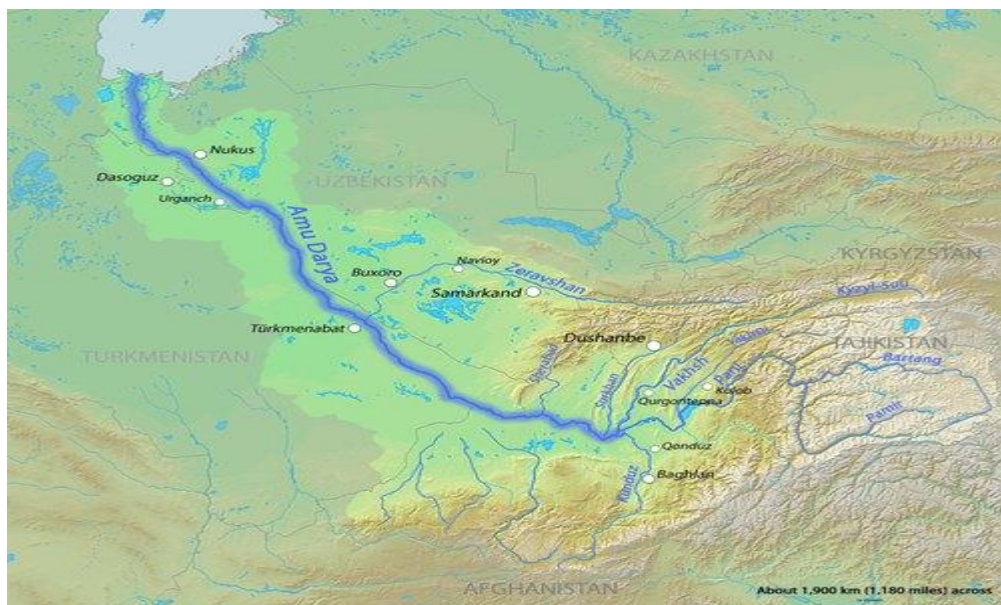
شاه این تصور را که توسط دیگر معامله گران تا بید شده است، نشان می دهد که جمعیت محلی ممکن است برخی مزایای مربوط به دهلیز اقتصادی چین و پاکستان « CPEC » را بگونه ملموس ببینند اما دقیقا نمی دانند که پکن چه می خواهد. با زدید کنندگان چینی - مهندسين، بوروکراتها از راه دور؛ گرد شگری مینگردن ولی از موضوع تا هنوز برداشتی درست ندارند، همانطور که در مورد ژاپنی ها، که علاقه مندان به مناطق شمالی برای

چندین دهه هستند. به این ترتیب، بهبود در مبادله افراد به افراد، یکی از مولفه های اصلی یک جا ده ویک کمربند «BRI»، به نظر می رسد که در بهبود وضعیت جویان چین قرار دارد

افسانه ادعا می کند که **هونزا کوت ها**، ساکنان دره «**Hunza**» با شکوه، سه فرزند از یک سربا زاسکند رکبیر هستند که با زنان زیبا خراسانی اشرافی ازدواج کرده اند. در حالی که اسکند در امتداد دریای آمو «**Oxus**» مشغول به کارومبارزه بود، سه زوج در سراسر راهرو واخان سفر کردند، این دره شگفت انگیز را کشف کردند و به زمین نشستند. یا در آنجا مسکن گزین شدند.



زنان هونزا کوت ها در وادی هونزا «چترال»



خط السیر دریای آمو (Oxus)

این ها یعنی باشندگان هونزا با قرن ها تحمل از آیین اسلام به پذیرش نفوذ این آیین ادامه دادند، من وقتی که از روستای ویا از وادی تیره رنگ قراقرم عبور میکردم بطور چشمگیری از محل بیرون شدم و در این وقت دریاور اسماعیلی من «اکبر» بمن اشاره کرد و گفت که اینها وها بی های «سنی» هستند.

پیدا کردن هنر گاندها را در گیلگیت حس خوبی داشت. گاندها را از لحاظ تاریخی، یک مثلث با رور و آبی را بین فلات خراسان، هندوکوش و اولین قله های هیمالیا تشکیل داده است. بین قرن پنجم قبل از میلاد و تهاجمات اسلامی، اینجا تقاطع سه فرهنگ بود: یعنی هند، چین و خراسان. و در اینجا هنر و فرهنگی بسیار گرامیداشت بودایی با رونق خوبی بود که پس از آنکه قدرت یونانی ها از بین رفت، این هنر و فرهنگ در اینجا شکوفا تر شد.



A Gandhara Bodhisattva head in Karim's shop in Gilgit. Photo: Asia times

سوال کشمیر: به عنوان یک تقاطع قرن بیست و یکم، «CPEC» با چالش های جدی مواجه است - از زمین شناسی (لغزش های ثابت و سیل در گیلگیت- بالتستان) تا امنیت بی نظیر در بلوچستان، که با ترکیبی از جنبش های جدایی طلب و جنبش های سیاسی و مذهبی تهدید می شود. من قادر به بازدید از گودار و جنوب «CPEC» نبودم، حتی اگر در هفته های پیش از برقراری تماس در اسلام آباد، منابع نظامی با درخواست برای تقاضای ویژه (NOC (Certificate No Object) هما نظر که در پاکستان شناخته شده بود) تهیه کرد. پاسخ نظامی: برای یک روزنامه نگار غربی، به ویژه در مورد رویداد (Asia Bibi)، "حساس" نیز هما نند خطرناک است.

چین باید راه را پیدا کند یا که چین باید در بدست آوردن موافقه هند برای عبور مسیر دهلیز اقتصادی چین و پاکستان از کشمیر رضایت هند را - شاید که از طریق مذاکرات در داخل سازمان همکاری شانگهای - حاصل کند.

در سال «1936»، بریتانیا با مها راجا کشمیر مقابله کرد و برای مدت «60» سال گیلگیت را به اجاره گرفت. اما پس از آن پارتیشن هند صورت گرفت که در آن زمان، Kuomintang (یک حزب ملی گرا در سال «1912» در چین تأسیس شد و در تحت رهبری چیانگ کای شیک در سال «1925» به قدرت رسید. این قدرت از سال «1928» تا زمانی که حزب کمونیست چین در اکتبر «1949» قدرت را گرفت دوام داشت، و سپس اداره مرکزی تایوان را تشکیل داد. **تفسیر توسط این قلم** (قبل از پیروزی **مائو** در چین بسر قدرت بود - و در مذاکرات مخفی برای بازگرداندن استقلال افسانه ای هونزا به عنوان یک دولت جدید در ادغام با چین مشغول بود. اما میر «سلطان» هونزا سرانجام تصمیم گرفت که به کشور جدید پاکستان ملحق شود.

بعضی ها ممکن به یاد آورند که راه در طول سال (1950) قبل از جنگ مرزی در سال (1962) بین چین و هند توأم با مشکلات زیاد در بین مرزهای میان چین و پاکستان نیز بود وقتی که پکین در حدود (3400) کیلومتر مربع از خاک کشمیر را در تحت تصرف خود در آورد از جمله بخشهای از **هونزای** قدیمی راکه امرای (سلاطین) هونزا همیشه سوزریانتی (suzerainty) یا حاکمیت چین را بر پالسی خارجی خود از هنگامیکه بریتانیا در سال (1891) برای بار اول **هونزا** را تصرف کرد به رسمیت شناخته بودند تا آنکه امیر (سلطان) **هونزا** در واقع به چین فرار کرد.

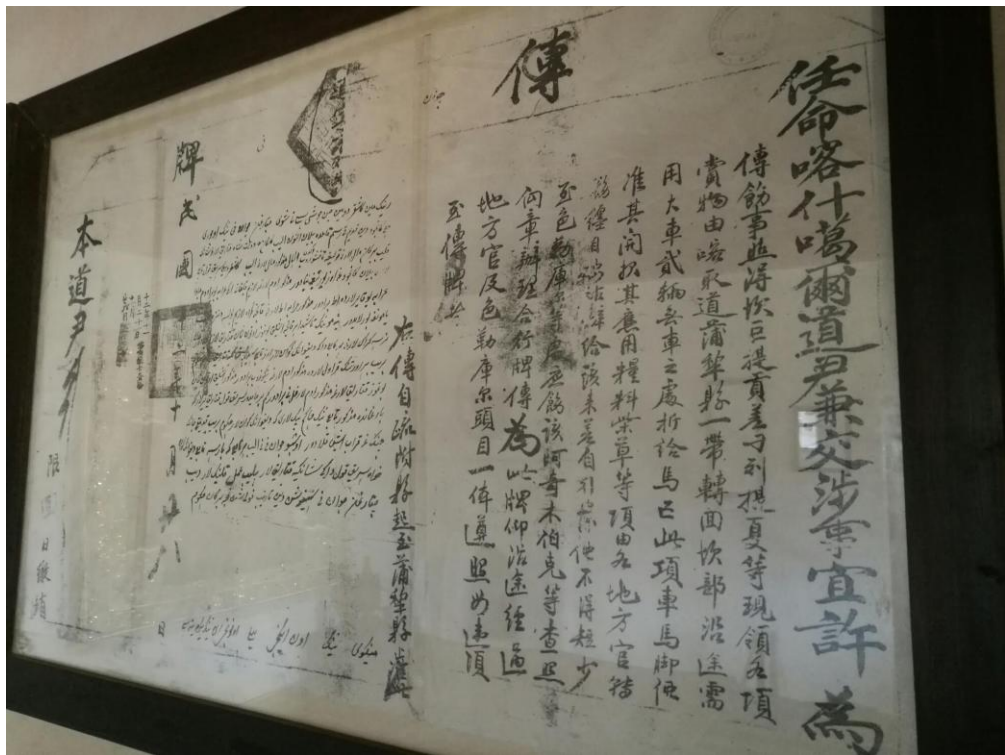


میر جمال امیر هونزا

این امر به چشم انداز برخی از اسناد دافسانه ای که در فوریت بالیت (قلعه بالیت)، مانند قرارداد های تجاری چین و بلتستان و تصویرری از «ژو EnLai» {1898-1989}

دولتمرد کمونیست چینی؛ نخست وزیر چین سال « 1949-76 ». یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست چینی بود، او در سال « 1927 » در شانگهای یک شورش کارگران کمونیستی را در حمایت از نیروهای « Kuomintang » در اطراف شهر سازماندهی کرد. او به عنوان نخست وزیر، در دوران انقلاب فرهنگی نفوسی مدرن داشت و در سالهای « 1972-1973 » رهبری این حرکت را به سمت نابودی با آمریکا انجام داد. ...تفسیر توسط این قلم { در دیدار ویا در بازدید از قلعه مذکور در اوایل (1960) دیده شده حفظ شده است.

همچنین شگفت آور است که به یاد داشته باشید که در آن زمان « ژوانلای » با در نظر داشت وضع در حال حاضر در مورد کراچی - بدون بندر « گواردار » در آن زمان - به "مسیر تجاری باستانی، از دست رفته به زمان های مدرن نه تنها برای تجارت بلکه برای اهداف استراتژیک" نیز در نظر داشت. رهبر چین آقای « Xi Jinping » قطعاً « Zhou EnLai » خود را به طور کامل خوانده است.



موافقت نامه های تجاری تاریخی بین چین و بالتستان عکس: آسیا تایم

امروز، رئیس جمهور آزاد (جامع) جامو و کشمیر، سردار مسعود خان، همیشه بر این تأکید می کند که "بر خلاف اشاعه و تبلیغات دامنه دار در هند"، طرف پاکستان "از لحاظ سیاسی و اقتصادی در تلاش رشد دهلیز اقتصادی چین و پاکستان بوده و این دهلیز

اقتصادی چین و پاکستان را برای کشمیر هند نیز مفید میدانند. هما‌نطور که می‌بیند، این خط‌قرمز برای دهلی‌نو باقی خواهد ماند.

یک بار فرصتی در طول عمر:

در پوهنتون دفاع ملی در اسلام‌آباد، من یک مقاله از (چونلای Xiaolu) از موسسه مطالعات استراتژیک در پوهنتون دفاع ملی (PLA) را خواندم که در آن نشان داده شده است که چگونه پکن امیدوار است که "با باز کردن غرب چین به آسیای مرکزی و جنوب، با ایجاد حمل و نقل بهتر به زیرساخت‌ها و تشویق تجارت با کشورهای جنوب آسیا و آسیای مرکزی، بخاطر توسعه تولید، به ساخت و ساز مونوفکتور ها و ظرفیت‌های صنعتی در ساحه‌ای غربی چین می‌تواند اقتصاد چین را ارتقاء دهد."

در حال حاضر در مقایسه با زیرساخت‌های جاده‌ها و خطوط راه آهن بهبود یافته در سراسر پاکستان که قادر به تبدیل کل ملت به یک راهرو تجارت واقعی شود، در حالی است که نیروی دریایی پاکستان دفاع خود را در آب‌های عمیق دریا با موجودیت بندر گوادار «Gwadar» بهبود می‌بخشد و این موقعیت را به عنوان یک پایگاه دریایی سوم میدانند و حضور کشتی‌های چینی در سراسر خطوط دریایی نزدیک به خاورمیانه و شمال آفریقا را پیشتیبانی و حمایت می‌کنند.

جای تعجب نیست که تحلیلگران چینی یک توافق مجازی در مورد حکمت سنتی چینی دارند که از یکپارچگی برای رونق اقتصادی - یک کلیدی «CPEC» و «BRI» و حاکمیت در برابر مهار و مقابله با آن است.

برای اینکه CPEC بتواند کار کند، پکن نیاز به سه چیز دارد: یک راه حل سیاسی برای افغانستان، که در حال حاضر در داخل سازمان همکاری‌های شانگهای «SCO» با چین، روسیه، هند، پاکستان و ایران (به عنوان ناظر) مستقر و پذیرفته شده است؛ روابط پدیدار میان هند و پاکستان؛ و تأیید امنیتی یا برقراری امنیت در سراسر پاکستان.

پکن به طور فعال مشوق اتصال نزدیک‌تر میان افغانستان و پاکستان، با راه آهن کوئته‌کندها و بزرگراه کابل-پیشاور است. «CPEC» در واقع از Karakoram به پاس خیبر گسترش می‌یابد، یعنی در طول راه عبور از خط مصنوعی «Durand». در مقابل، چندین جناحها و نهادها درواشنگتن برای متوقف کردن این پروژه‌ها، با یک کمپین تبلیغاتی طراحی شده تلاش کردند تا این پروژه یک جاده و یک کمربند (BRI)

چین را به عنوان یک با تلاق فساد، بی کیفیت، " تله بدهی" و "بد بختا نه" چینی بد دتر معرفی کنند .

با این حال ، در میان تمام راهروهای یک جاده و یک کمر بند «BRI»، پیشرفت مواد و متریال در کل «CPEC» بیش از حد خود واضح است. من هر روستایی در مناطق شمالی را تنویر با برق دیدم و اکثر آنها فیبر نوری را به هم متصل می کردند، که این خود کاملاً مغایر زمانی بود که من یک قراقرم به شدت ویران و مخرب را ، در دو دهه قبل دیده بودم .

پاکستان اکنون یک بار در طول یک فرصت شغلی برای تسخیر موقعیت جغرافیایی خود - با مرزهای متصل به قرن ها از تاریخ و فرهنگ با ایران، افغانستان، آسیای مرکزی و خاور میانه که با ید داشته باشد - خود را به عنوان یک پل کلیدی بین خاور میانه و هر دو یعنی مدیترانه و قسمت غربی چین درمی یابد.

شایعاتی در اسلام آباد وجود داشت که **عمران خان** در جستجوی ایجاد یک پوهنتون استاندارد بین المللی در پایتخت (اسلام آباد) است، که به عنوان مرکز پژوهش و تحقیق و بررسی موزاییک جدید یک جهان چند قطبی بپردازد آنطوریکه اکنون در حال ظهور قرار دارد. چونکه قدرت جوانان بیشتر قابل دسترس است، مانند جمیله شاه، که در حال حاضر در پوهنتون دفاع ملی کار میکند ، کارشناسی ارشد در بخش مطالعات صلح و تعارض است، و کاربایک سازمان غیردولتی، کمیته بین المللی نجات میکند، جمیله، از هونزا، درگیلگیت- بالتستان، یک چهره با دانش برای آینده پاکستان شناخته شده است.



Jamila Shah. Photo: Asia Times

پاکستان تا هنوز با مشکلات رشوه ستانی و فساد مواجه است یعنی که تا هنوز در الیگارشی فاسد اغشته است ، صنایع مشکوک بی کیفیت توأم با کاهش صادرات (که 60 درصد آن پارچه های بی کیفیت است) و تقریباً نیمی از جوانان « 5 » تا « 16 » ساله خارج از مدرسه هستند.

اقتصاد دان پاکستانی **اصراد حسین** به درستی خاطر نشان کرد که مدل «رشد نخبه» پاکستان با ید با «رشد مشترک» جایگزین شود. پس باید که یک « CPEC » اصلاح شده را باز کنید و مسیر راه جلو ببرید، امیدوارم که کامیون ها با محموله های سنگین شان با استفاده از این راه در برف های خنجراب دیگر شدیداً نه لغزند.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله : پپه اسکویا خبرنگار بزرگ در آسیا تایمز است. آخرین کتاب او در « 2003 » است. او را در فیس بوک دنبال کنید.

----- **با تقدیم سلام ها « 2018-12-27 »**

